

تحلیل سیاسی هفته (۳۷)
مذاکرات ژنو ۲: تفاوت‌ها و موانع

مقدمه

دومین دور مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱ در حالی به پایان رسید که طرفین تا آستانه رسیدن به توافقی نهایی پیش رفته بودند، اما موانعی نظیر اختلاف نظرها در میان خود گروه ۵+۱، لزوم پرداختن به جزئیات طرح پیشنهادی کشورمان و کارشکنی وزیر خارجه فرانسه موجب گردید تا مذاکرات به دور سوم کشیده شود. در واقع، نمایندگان و مقامات عالی‌رتبه طرفین، یکبار دیگر جهت از سرگیری مذاکرات در ۲۹ آبان‌ماه راهی ژنو خواهند شد. مذاکرات ژنو ۲ به علت برخورداری از حساسیت و اهمیت فراوان برای صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی، در مرکز توجهات بین‌المللی قرار داشت. هرچند که از آغاز بحران هسته‌ای، این اولین بار نبود که نمایندگان دو طرف، برای رسیدن به توافق یا دستکم کاهش تنش‌ها به ژنو می‌آمدند، لکن در سطوح مختلف، تفاوت‌های مهمی میان این دور از مذاکرات با ادوار پیشین قابل مشاهده بود. آگاهی از این تفاوت‌ها و موانع جهت پیشبرد روند مثبت مذاکرات و حفاظت از حقوق هسته‌ای کشورمان در ژنو ۳ ضروری است.

سطح داخلی و مذاکرات ژنو ۲

اوضاع داخلی جمهوری اسلامی ایران در آستانه مذاکرات دور دوم، به مراتب مناسب‌تر از دور اول بود. در سطح نخبگان، فرمایشات مقام معظم رهبری در ۱۲ آبان‌ماه، به‌مثابه فصل‌الخطابی بر خودزنی‌های داخلی، از یک سو، روحیه و اعتماد به نفس تیم مذاکره‌کننده ایرانی را ارتقا بخشید و از سوی دیگر، با نامیدن مذاکره‌کنندگان کشورمان به‌عنوان فرزندان انقلاب، به طرفین غربی هشدار داد که مذاکرات را جدی بگیرند. در سطح مردم نیز، حضور گسترده آحاد مختلف ایرانیان در سالروز یوم‌الله ۱۳ آبان، نشان از عزم جدی ملت ایران در استکبارستیزی و حراست از ارزش‌های انقلابی و اسلامی خویش داشت.

سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مذاکرات

شرایط منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران در حال چرخش است. سفر هفته قبل دکتر ظریف به ترکیه و گفتگوهای مفصل وی با همتای ترک خویش، نه تنها دورنمای حل‌وفصل بحران سوریه را روشن‌تر ساخت، بلکه با معرفی نیات و اهداف واقعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه که همان حفظ ثبات و جلوگیری از نزاع فرقه‌ای و مذهبی در جهان اسلام می‌باشد، پرده از چهره مسببین اصلی بحران سوریه برداشت.

در سطح بین‌المللی نیز ۶ قدرت جهانی برای اولین بار مذاکرات را جدی گرفته و علاوه بر نمایندگانشان، وزرای خارجه این کشورها برنامه‌های قبلی خویش را لغو کرده و خودشان را به محل مذاکرات رساندند. مذاکره ۵ ساعته دکتر ظریف - جان‌کری بیش از مجموع مذاکرات مستقیم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در سی سال گذشته بود. همچنین گفتگوهای طولانی وی با وزیر خارجه روسیه، قائم مقام وزیر خارجه چین و نهایتاً نماینده ویژه اتحادیه اروپا، کاترین اشتون، همگی حاکی از عزم جدی طرفین مبنی بر رسیدن به توافق از یک‌سو و سطح بالای مذاکرات از سوی دیگر است.

موانع رسیدن به توافق نهایی

به‌رغم اینکه دور دوم مذاکرات ژنو، بدون امضای یک توافق مشخص به پایان رسید، بسیاری از تحلیلگران اذعان داشتند که مذاکراتی با این سطح فشردگی، در تاریخ روابط بین جمهوری اسلامی ایران و غرب بی‌نظیر بوده است. متأسفانه علیرغم تلاش‌ها و حسن نیت طرف ایرانی باز هم شاهد حصول توافق در ژنو نبودیم هرچند که ۲ روز دیگر مذاکرات از سرگرفته خواهد شد و شاید در مذاکرات آتی طرف غربی بخواهد از فرصت دیپلماتیک موجود نیز استفاده نماید. در این میان، نقش مخرب رژیم صهیونیستی و فرانسه در این مذاکرات به وضوح قابل مشاهده بود.

هرچند که وجود اختلاف نظر در مسائل جزئی و اجرایی طرح پیشنهادی ایران طبیعی به‌نظر می‌رسید، اما سرکشی و عدم تمایل دولت فرانسه برای حصول به توافق نهایی از همان روز اول مذاکرات بارز بود. در شرایطی که انگلیسی‌ها مطابق روابط ویژه خویش با ایالات متحده موضعشان را با دمکرات‌های کاخ سفید هماهنگ کرده‌اند، دولت سوسیالیست پاریس با نمایندگی منافع صهیونیست‌ها در مذاکرات مانع نیل به توافق نهایی شد. سه سناریوی مختلف را می‌توان برای رفتار مخرب و مبهم فرانسه متصور گردید:

اول، مقامات فرانسه تحت نفوذ و فشار اسرائیلی‌ها تن به این کار داده باشند. گفتنی است که از دیرباز لابی صهیونیست‌ها در فرانسه قدرتمند بوده است و از آنجا که در مقطع فعلی، روابط تل آویو - واشنگتن به‌علت تندروری‌های نتانیاهو و دستیارانش به سردی گراییده است، اسرائیلی‌ها جهت گریز از فروپاشی ائتلاف ضدایرانی و کاهش تحریم‌ها چاره‌ای جز توسل به مقامات فرانسوی نداشتند. این امکان نیز وجود دارد که دولت اولاند که از نظر محبوبیت، سیر نزولی را طی ماه‌های گذشته سپری کرده است، برای جلب نظر مساعد رسانه‌های صهیونیستی داخلی و خارجی، ژست مستقل و متفاوتی را به‌خود گرفته باشد. اهمیت این سناریو علاوه بر لابی قدرتمند صهیونیستی در پارلمان و رسانه‌های عمومی، به عقده تاریخی فرانسوی‌ها مبنی بر متفاوت بودن از آنگلساکسون‌ها و مخالفت با هژمونی آمریکا ناشی می‌شود.

دوم، دولت فرانسه جهت گرفتن امتیازاتی در منطقه به‌خصوص در ارتباط با سوریه و لبنان چنین سیاستی را اتخاذ کرده باشد. فرانسوی‌ها که در روزهای اخیر تلاش‌هایشان در سوریه و لبنان را نافرجام می‌بینند، به زعم خویش به فکر باجگیری از جمهوری اسلامی ایران در منطقه شامات هستند. درواقع، طبق این سناریو، هدف اصلی دولت پاریس، نمایشی تاکتیکی جهت اخذ امتیازاتی در منطقه بوده است، غافل از اینکه پرونده هسته‌ای کشورمان اساساً موضوعی متفاوت از بحران سوریه است. شایان ذکر است که دولت فرانسه یکی از موافقین جدی حمله نظامی به سوریه به بهانه استفاده از تسلیحات شیمیایی بود و به‌علت سابقه تاریخی استعماری در منطقه شامات، خود را محق مداخله در امور داخلی کشورهای لبنان و سوریه می‌داند.

سوم، اقدام فرانسه نه یک سیاستی مستقل، بلکه در چارچوب یک نیرنگ غربی صورت گرفته باشد. بدین شکل که در این دور از مذاکرات، نقش و مأموریت مخالفت با حقوق هسته‌ای کشورمان به فرانسه محول شده باشد. در شرایط فعلی، دولت اوپاما قصد دارد چهره ضدجنگی و فریبکارانه خویش را حفظ نماید تا همچنان انگشت اتهامات به سمت جمهوری اسلامی ایران بوده و تحت فشارهای سیاسی و رسانه‌ای، تهران مجبور به دادن امتیازات بیشتر گردد. انگلستان نیز از آنجا که به‌دنبال شروع مجدد روابط دیپلماتیک با ایران می‌باشد، تمایلی به پذیرش چنین نقشی نداشته است.

دلایل و پیامدهای کارشکنی فرانسه

کارشکنی فرانسه در مذاکرات پیشین درحالی صورت گرفته است که این کشور در عرصه داخلی با بحران بیکاری مواجه می‌باشد. محبوبیت حزب سوسیالیست به رهبری فرانسوا اولاند به کمترین میزان خویش از زمان دستیابی به قدرت رسیده است. درواقع این حزب برخلاف شعارهای انتخاباتی خویش در مسائل اقتصادی و سیاست خارجی همان سیاست‌های دولت سارکوزی را دنبال می‌کند. در سطح منطقه‌ای شکست سیاست‌های اقتصادی ریاضتی، جایگاه فرانسه به‌عنوان قطب سیاسی اتحادیه اروپا را متزلزل ساخته است. در سطح بین‌المللی نیز، مواضع ضدایرانی فرانسوی‌ها به‌ویژه در بحران سوریه مثرثمر نبوده‌اند. روابط اقتصادی فرانسه با کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز مزید بر علت شدند تا پاریس، سردمدار جبهه غربی در بحران سوریه گردد. همزمان با کاهش سرمایه‌های خارجی در اقتصاد بحران‌زده فرانسه، عربستان و امارات سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این کشور اروپایی کرده‌اند. افزون بر این، ریاض و ابوظبی در کنار سایر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس از خریداران عمده تسلیحات فرانسوی به‌شمار می‌روند. تطویل بحران سوریه به تداوم فروش تسلیحات فرانسوی به کشورهای منطقه کمک می‌کند و در نظر مقامات الیزه، مفری جهت برون‌رفت از مشکلات اقتصادی کنونی تلقی می‌گردد.

فارغ از نیت واقعی فرانسوی‌ها، کارشکنی نماینده فرانسه در مذاکرات پیشین تأثیر سویی بر روند مثبت گفتگوها خواهد گذاشت و دست‌کم با تطویل مذاکرات، رسیدن به توافق نهایی را دشوارتر می‌سازد. دولت فرانسه با گره زدن مشکلات و ناکامی‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خویش به پرونده هسته‌ای کشورمان، نه تنها احتمال دستیابی به توافقی پایدار را کاهش می‌دهد، بلکه با آشکار نمودن اختلاف‌نظرهای موجود در داخل جبهه غربی، موجبات تضعیف ائتلاف هسته‌ای ضدایرانی را فراهم می‌نماید.

در سایه گزارش جدید آمانو که تصویر نسبتاً مثبتی از فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، ارائه می‌دهد. فلسفه رژیم تحریم‌های غربی علیه جمهوری اسلامی ایران زیر سؤال می‌رود. به‌عبارت دیگر، تحولات جدید در رابطه با پرونده هسته‌ای کشورمان بار دیگر آشکار نمود که برخلاف شعارهای اعلامی، فصل مشترک ائتلاف ضدایرانی، محدودسازی قدرت و نفوذ کشورمان با اهرم تحریم‌های همه‌جانبه می‌باشد و پرونده هسته‌ای بهانه‌ای بیش نیست.

نتیجه‌گیری

با توجه به تاریخ مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و غرب، می‌توان گفت که قطار گفتگوهای هسته‌ای به ایستگاه آخر نزدیک شده است و هر دو طرف منازعه، بر این باور هستند که مذاکرات ژنو ۳ فرصت مناسبی برای نیل به توافق سیاسی است. وجود اختلاف نظر اساسی میان اعضای ۵+۱ برای هیچ کس تردیدی باقی نگذاشت که این غربی‌ها هستند که مسئول عدم حصول به نتیجه مرضی‌الطرفین در این سه روز می‌باشند. کارشکنی دولت فرانسه و عدم هماهنگی میان سه کشور اروپایی حاضر در مذاکرات به تنهایی مؤید این مطلب است. هر یک از سناریوهای فوق به تنهایی یا به‌صورت ترکیبی و مشترک، می‌تواند تبیین‌کننده این کارشکنی باشد. اما اگر دولت فرانسه طبق سناریوی اول یا دوم، به فکر بهره‌برداری خودسرانه بوده باشد. در چنین حالتی تداوم اختلاف‌نظرها می‌تواند پایه‌های ائتلاف بین‌المللی شکل گرفته علیه جمهوری اسلامی ایران را سست نماید و آن را در معرض فروپاشی قرار دهد و باید انتظار داشت که دولت اوپاما برای جلوگیری از تکرار چنین اتفاقی، اقداماتی انجام دهد. در این صورت می‌توان به مذاکرات دور سوم امیدوار بود. اما اگر سناریوی سوم درست باشد، احتمال دستیابی به

توافق نهایی کاهش می‌یابد. طبق این سناریو، واشنگتن طی سال‌های گذشته تمام تلاش‌های ضدایرانی خویش را در جهت تشکیل این ائتلاف سامان داده و همچنان به دنبال حفظ فشار تحریم‌ها حتی به قیمت شکست مذاکرات است. در طرف دیگر، لفاظی‌های مقامات صهیونیست بار دیگر ثابت نمود که هدف اصلی اسرائیل از تبلیغات هسته‌ای، تنها محدودسازی ایران می‌باشد و گرنه سازمان‌های جاسوسی این رژیم بهتر از هر نهاد دیگری می‌دانند که در ایران برنامه‌ای برای تولید سلاح هسته‌ای وجود ندارد. با این حال، گزارش جدید آمانو، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند بر فضای مذاکرات تأثیر مثبتی گذاشته و مانع از کارشکنی‌های احتمالی همچون فرانسه در دور بعدی مذاکرات گردد. هرچند که مواضع و سیاست‌های دوپهلوی، همچنان در گزارش‌های آژانس به چشم می‌خورد ولی محور اصلی گزارش اخیر که همان عدم انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. خط بطلانی بر لفاظی‌های صهیونیست‌ها می‌کشد. بیانیه مشترک ایران و آژانس نه تنها می‌تواند تحرکات تخریبی صهیونیست‌ها را خنثی سازد، بلکه در تلطیف فضای مذاکرات نیز مؤثر خواهد بود.